

# دشواری های جوانان ، در ارتباط با خانواده

۳

از: ابو القاسم پر تو اعظم

د پژوهش ، با استفاده از روش کرافورد صورت گرفته و اینک پرسش سوم مطرح است که چگونه می توان از تبعیض در مورد فرزندان جلوگیری کرده ارقامی که کنار پاسخها آمده است ، وفور پاسخ را برابر پرسش نشان می دهد ،

( ۱ ) پافشاری يك فرزند در پیسبرد عقیده و سلیقه ، مقاومت و بی مهربی پدر و مادر را بر می انگیزد و مهر آنها را به سوی فرزندی که نرم است و انعطاف پذیر ، سوق می دهد .

( ۱ ) تبعیض در مورد فرزندان ، يك گمان بی ریشه است . آن چه به ظاهر دیده می شود ممکن است ظاهر سرزنش و تنبیه باشد . زیرا عقل سلیم نمی پذیرد که پدر و مادر میان فرزندان خود تفاوت بگذارند .

( ۶ ) این يك امر طبیعی است . همه مساوی و يك شکل به دنیا نمی آیند و همه به يك اندازه از امکانات جامعه ، درساختن و پرداختن خود بهره نمی گیرند . پدر و مادر به آن يك که برتر است ، بیشتر مهر می ورزند .

( ۷ ) تبعیض گاه نشانه ی توجه پدر و مادر به فرزند ضعیف و ناتوانی است که نیاز به مهر و پاسداری بیشتر دارد .

( ۱ ) اینها همه ناشی از تمصب مذهبی و پیروی از رسوم منسوخ و خرافات است . بعضی بی جهت

و شاید به صورت غریزی، پسر را بر دختر برتر می دانند. بعضی میگویند این فرزند بر ایمان «قدم» داشته و بابت دنیا آمدن او، زندگی مان عوض شده، برخی می پندارند دختر مایه‌ی دردسر است، زیرا پیدا کردن شوی مناسب برای او آسان نیست، جهیز هم می خواهد. یکی می گوید اگر دختر با پسر برابر بود مساوی اوارت میبرد. برخی می گویند پسر بیشتر از دختر به درد می خورد زیرا: پدر در کودکی دست پسر گیرد - به امید که در پیری، پسر دست پدر گیرد.

( ۱ ) تبعیض؟! يك مشکل اساسی جوان در ارتباط با خانواده اش محسوب نمی شود. این مشکل پیش مشکلات دیگر، هیچ است.

( ۳ ) پدر یا مادری که میان فرزندان خود تبعیض قائل می شود، بیمار است و باید بروانشناس مراجعه کند به پدرها و مادرها باید آموخت که تبعیض دشمن استحکام خانواده است. به نسل جوان باید آموخت که اشتباه گذشتگان را تکرار نکنند و مسئولیت بسیاری از عقده های روانی را، که زاییده ی تبعیض است، بعهده نگیرند.

پرسش چهارم - چگونه می توان مانع از بحث اختلافات زناشویی و زندگی در حضور فرزندان شد؟

پاسخ ها:

( ۱۴ ) با گذشت طرفین و تسلط بر خویشتن و طرح مسائل خصوصی، هنگامی که فرزندان در خانه نیستند.

( ۱ ) زیر بار ازدواج نرفتن و بچه پس نیانداختن و برای خود و دیگران دردسر درست نکردن.

( ۸ ) در گروه کم درآمد که همگی اعضای خانواده، در يك اطاق زندگی می کنند و یادواتاق به هم چسبیده و تودرتو، خواه و ناخواه فرزندان در جریان اختلافات پدر و مادر قرار می گیرند.

( ۶ ) طرح و بحث پیرامون اختلافات زناشویی و زندگی، در حضور فرزندان، اینان را نسبت به واقعیت زندگی آگاه و بیدار می کند و تصویری از زندگی آینده را باز می تاباند.

( ۴ ) اگر قرار باشد فرزندان نسبت به مسائل زناشویی و زندگی پدر و مادر بیگانه بمانند، زندگی خانوادگی به گونه ای دورویی تبدیل می شود و لطف و صفای خود را از دست می دهد. پرسش پنجم - چگونه می توان میان والدین و فرزندان، دوستی و همسازی و یکدلی به وجود آورد؟

پاسخ ها:

( ۸ ) سرآغاز همسازی، تفاهم و نزدیک بودن اندیشه ها و سلیقه ها است. پدر و مادر باید بر پایه ی:

«ابتدا ادراك، آنگاه دوستی و عشق، به شناخت سلیقه‌ها و برداشتهای فرزندان خود از زندگی و نمودهای آن بپردازند. بزرگوار این مشکل یادساز نبودن جوان با خانواده‌اش، در دست پدر و مادر است که فرزند را درست تربیت کنند و طرز فکر خود را همواره با زمان هماهنگ کنند تا هماهنگی در طرز فکر میان والدین و فرزندان به صورت طبیعی و نه تحمیلی پیشه بگیرد. از سوی دیگر داوری درست در محیط خانواده، زمینه را برای یکدلی و همسازی، مناسب و آماده میکند.

( ۵ ) پدر و مادر اگر خود بایکدیگر اختلاف داشته باشند، ناگزیر با فرزندان خود نیز اختلاف خواهند داشت .

( ۵ ) با احراز دراستعداد و خودداری از تحمیل نظریه‌ها، البته از طرفین .

( ۱ ) مادر جان ! گاهی خودت را جای دخترت بگذار تا بفهمی که يك دختر از مادرش چه انتظاراتی دارد .

( ۶ ) از طریق همزیستی مسالمت آمیز، پدر و مادر به جای دخالت در زندگی فرزندان، در زندگی آنها نظارت کنند .

( ۶ ) به گردش دسته جمعی بروند، حساب تفریح خود را از یکدیگر جدا نکنند. گاه برای رسیدگی به دشواریها و دریافت انگیزه‌های اختلاف، جلسه‌ی خانوادگی داشته باشند و فارغ از تعصب و پیش‌داوری سخن یکدیگر را بشنوند .

پرسش ششم - چگونه می‌توان تربیتی داد که فرزند در خانه به دلخواه بیاساید و درس بخواند و احساس استقلال کند ؟

( ۲۰ ) اگر خانه بزرگ است، به فرزند اتاق مستقلی بدهند. اگر كوچك است به پسرها يك اتاق و به دخترها يك اتاق بدهند و اگر خیلی كوچك است، دست کم برای هر فرزند يك گنجینه یا اشکاف در نظر بگیرند.

( ۳ ) تنها کافی نیست که فرزند درون خانه، استقلال را دریابد. او بیرون از خانه نیز چنین احساسی را باید داشته باشد .

( ۱ ) اگر نمی‌توانند به هر فرزند در خانه اتاق مستقلی بدهند، جلوی شهوتشان را بگیرند و بچه پس نیا نندازند.

( ۳ ) دست کم اگر اتاق درست در اختیارمان نمی‌گذارند، سکوت را رعایت کنند و بگذارند بفهمیم چه میخوانیم .

( ۳ ) من مفهوم استقلال داخل خانه را نمی‌فهمم. همه در جمع خانواده برابرند و استقلال طلبی فردی نظم و هماهنگی را برهم میزند.

( ۱ ) مارسم بسیار مسخره‌ای داریم. دو سه اتاق بزرگ و آفتابگیر و زیبایی خانه را بعنوان مهمانخانه، ناهارخوری و اتاق بازی «قمار» به هم‌نهایی که هرگز نمی‌آیند (یا فقط سالی

یکبار می آیند برای عید دیدنی) اختصاص می دهیم و درهای آنها را میبندیم و کلید را در هفت سوراخ پنهان می کنیم و آن وقت به فرزندانمان می گوئیم : از کجا افاق بیاوریم که به تو بدهیم ؟!

پرسش هفتم - چگونه می توان والدین را به ضرورت آموزش عالی فرزندان معتمد کرد؟ پاسخها :

( ۵ ) مقضیات زندگی امروزین ، پدر و مادر را به چنین ضرورتی معتمد کرده است .

( ۱۰ ) با بهر کشیدن نمونه ها ، فرزندان که از خانواده های کم درآمد برخاسته و تنها از راه آموزش عالی تا حد خانواده های برتر جامعه بالا رفته اند .

( ۱ ) باید به والدین فهماند که تحصیلات ابتدائی و متوسطه ، الفبای زندگی را به دست می دهد ، اما تحصیلات عالی کلید و ابزار موفقیت را .

( ۶ ) همگی پدر و مادران به این ضرورت واقفند ، اما بسیاری از خانواده ها ، نمی دانند هزینه ی تحصیل عالی فرزند خود را از کجا بیاورند .

( ۳ ) تحصیل عالی يك ضرورت نیست . این مملکت به کارگر و سرکارگر نیز نیازمند است .

( ۱ ) پدر من می گوید : در مملکت ما خیلی ها که تحصیلات عالی ندارند به همه جا رسیده اند . مگر حاج درفشان لیسانس اقتصاد دارد؟

( ۱ ) باید به پدر فهماند که اگر فرزندت به دانشکده نرود چه بکنند؟ مگر برای دیپلمه ها کار هست؟

( ۱ ) والدین بی سواد نمی خواهند فرزندشان تحصیل عالی داشته باشد . زیرا در این صورت میانشان فاصله می افتد و فرزند روشنفکر برای پدر کم سواد تره هم خورد نمی کند .

( ۱ ) من صبح ها کار می کنم و پدرم هنوز نرفته است که عصرها به دانشکده می آیم .

( ۲ ) باید به والدین فهماند که کشورهای پیشرفته را آدم های کاردان و روشنفکر و کارشناس آباد کرده اند . اگر جوانان به تحصیل عالی روی نیاورند ، کشورشان در مرحله ی واپس ماندگی درجا خواهد زد .

پرسش هشتم - چگونه می توان در یک خانواده ی کم درآمد ، به تحصیل عالی اداه داد؟ پاسخها :

( ۱ ) با خریدن بلیت اعانه ملی و یا باز کردن حساب در بانک پارس .

( ۷ ) تحصیل عالی در کشور ما زیادگران نیست ، البته به استثنای دانشگاه ملی .

( ۵ ) در خانواده های کم درآمد ، تمایل به تحصیل عالی بیشتر است . زیرا وسیله ای است برای تغییر گروه در جامعه . اگر هم دولت به خانواده های کم درآمد کمک نکند ( یا سازمانهای خصوصی که وام شرافتی میدهند ) ، پدر و مادرا از گلوی خودشان می برند تا ما درس بخوانیم و وضع زندگی اعضای خانواده را عوض کنیم .

( ۱۲ ) با اشتغال بکار در ساعات فراغت یا تحصیل در دانشگاه شبانه .

بقیه در صفحه ۴۶

## دشواریهای جوانان در ارتباط با خانواده

( ۱ ) به اندازهی کفایت نخوردن ، به اندازهی لازم نپوشیدن و چشم پوشی از هر گونه تفریح و احساس حقارت ، کنار آنها که خوب می خورند و خوب می پوشند و همه جور وسیله تفریح و خوشگذرانی دارند ،

( ۱ ) با امید به فردای روشن !

( ۱ ) من نه تنها تحصیل میکنم و خرج تحصیلم را خودم درمی آورم ، بلکه بارانندگی تاکسی کمبود درآمد خانواده را نیز جبران میکنم .

( ۱ ) ما جوانها آنقدرها هم که می گویند بد نیستیم ، اگر خرجمان را بدهند که امروز تحصیل کنیم فردا زحمت پدر و مادر را تلافی میکنیم .

( ۴ ) خوشبختانه برنامهی تحصیل عالی در بیشتر دانشکدهها طوری تنظیم شده که دانشجوی هم به کار می رسد و هم به تحصیل . به علاوه دانشگاه در یافتن شغل برای دانشجو کمک میکند .

پرسش نهم - چگونه میتوان احساس حقارت را در مورد کمپولی جوانان که ناشی از کمی درآمد خانواده است تعدیل کرد ؟

پاسخها :

( ۱ ) من باین شعر همیشه دلم را خوش می کنم : به روز نیک کسان گفت غم مخور ، ز بهار - بسا کسا که به روز تو آرزومند است .

( ۴ ) دولت باید با ایجاد کاخهای جوانان و جاهای رایگان برای تفریح ، این عقیده را در جوانان کم پول سر کوبی کند .

( ۱ ) آدم باید توی لاک خودش بخزد و چشمش را ببندد زیرا بقول بودا : « زندگی زجر است ، دلیل زجر آرزوست . »

( ۴ ) هیچ راهی ندارد !

( ۲ ) فکرها را باید به کار انداخت و با اشتغال همگی اعضای خانواده در کارهای مولد ، ریشی بی پولی خانواده را خشکاند .

( ۱۱ ) پول خوشبختی نمی آورد .

( ۱ ) دولت باید به جوانان کم در آمدی که تحصیل می کنند کمک کند .

( ۱ ) اگر پول نداری آش هم نخور !

( ۱ ) چه آسان است انگل دیگران شدن و به حساب دیگری تفریح کردن ، فقط باید آن غرور مزاحم را زیر پا له کرد .

( ۱ ) کم پولی احساس حقارت را بر نمی انگیزد .

( ۲ ) با تغییر محیط ، مثلاً از شهر به شهری کوچک پناه بردن .

( ۱ ) قناعت توانگر کند مرد را !

( ۱ ) جلوی مصرف زیاد و خود نمائی کسانی را که درآمد زیادشان را به هزینههای فانتزی

و غیر ضروری اختصاص می‌دهند، باید از طریق تجدید صرفه و وضع مالیات‌های گزاف گرفت.

( ۲ ) تا اعتبار هر کس در جامعه منوط و مربوط به میزان ثروت اوست. از کم پولی باید خجالت کشید و ناگزیر احساس حقارت کرد .

( ۱ ) بی پولی ، درد امروز من است که هر طور باشد تحمل میکنم ، اما می ترسم فردا که تحصیل تمام شد بیکار بمانم و باز هم احساس حقارت ...

پرسش دهم - چگونه می توان برای فرزندان، در خانواده استقلال مالی تأمین و منظور کرد. پاسخها :

(۱۲) با دادن ماهیانه مرتب و نظارت منطقی در چگونگی خرج و مصرف آن .

( ۵ ) با دادن ماهیانه‌ی مرتب و خودداری از طرح این سؤال که: با پولت چه می کنی ؟ یا پولت را چه کرده‌ای ؟

(۱۰) از راه حذف هزینه‌های غیر ضروری و به اصطلاح «برج» در زندگی خانواده ، تا اینکه بتوان به هر یک از فرزندان مقرری مناسبی داد .

( ۱ ) پرداخت مبلغی به عنوان سرمایه و خودداری از پرداخت مقرری هفتگی یا ماهیانه .

( ۱ ) برای هر یک از فرزندان باید حساب پس انداز باز کرد و از کودکی عادتشان داد که مثلاً اگر چیزی را شکستند ، خسارتش را از حساب خود بپردازند .

( ۱ ) من با اعطای استقلال مالی به فرزندان مخالفم ، زیرا استقلال مالی موجب گمراهی و فساد و اعتیاد به مواد مخدر است .

( ۱ ) تا وقتی که سرسره‌ی پدر و مادران می‌خوریم ، استقلال مالی مفهومی ندارد .

( ۱ ) استقلال مالی را باید به نحو محدود و مشروط برای فرزند قائل شد .

پرسش یازدهم - چگونه می‌توان از دخالت والدین در بر کزیدن شغل مورد علاقه‌ی فرزندان جلوگیری کرد ؟

پاسخها :

(۴) دخالت بیشتر جنبه‌ی راهنمایی دارد و به صلاح فرزند است که با چنان دخالت مطلوبی موافق باشد.

( ۱ ) چه دخالتی ؟ مگر من در انتخاب شغل پدرم دخالت کرده‌ام ؟

( ۴ ) فرزند باید دلائل خود را در مزایای شغل مورد علاقه ، به والدین بازگوید .

( ۴ ) باید به والدین بفهماند که این دخالت‌ها منایر باشند زندگی امروزین است . اما باید از آنها راهنمایی خواست و در آنها بچشم مشاور مجرب نگرست .

(۱) پدرم خیال می‌کند که باید آینده‌ی مرا بسازد، در حالیکه آن چه برای خود ساخته چشمگیر نیست!

( ۳ ) در مملکت ما آنقدر فراوانی شغل نیست که مسئله‌ی انتخاب مطرح باشد

( ۱ ) در جامعه‌ی ما به مشاغل مختلف نمره‌های مختلف می‌دهند ، بعضی مشاغل را تنگین می‌شمارند و پدران هنوز نپذیرفته‌اند اگر کاری منافعی با اخلاق نباشد ، تنگ نیست .

( ۱ ) چه مانعی دارد که دخالت کنند ؟

( ۲ ) با مقاومت منفی !

( ۳ ) باید به پدر و مادر فهماند که هر کس را برای کاری ساخته‌اند و بین تخصص و شغل باید ارتباط منطقی برقرار باشد .

( ۱ ) باید به پدر و مادر فهماند که اگر فرزندشان معلم خوبی از آب در بیاید ، بهتر از آن هست که يك استاد متوسط بشود .

( ۴ ) در فرهنگ کشورهای پیشرفته ، این گونه مسائل مطرح نیست . چاره در مملکت ما تحول فرهنگی است .

( ۶ ) فرزند باید شغل مورد علاقه را بیابد و همین که یافت مشغول شود . اگر پدر و مادر مخالفت کردند ، می‌توان زندگی را جدا کرد .

پرسش دوازدهم - چگونه می‌توان از حساسیت پدر و مادر نسبت به ارتباط و معاشرت با جنس مخالف کاست ؟

پاسخها :

( ۷ ) این مسئله سالهاست که حل شده و پدر و مادر نه دخالت میکنند نه مخالفت .

( ۱ ) او را چندان دوستت دارم که مخالفت دنیا را به چیزی نمیگیرم .

( ۱ ) حساسیت پدر و مادر در این زمینه ضرورت دارد ، بسیاری از جوانان ما خوب را از بد تشخیص نمی‌دهند ، به علاوه پسرها به اندازه‌ی کافی جلب اعتماد دخترها را نکرده‌اند .

( ۱۴ ) پایبندی به رسوم و مذهب انگیزه‌ی این حساسیت است ، باید بتدریج به مبارزه با آن رفت . فرزندان و مخصوصاً دخترها باید به پدر و مادر خود اطمینان بدهند که در معاشرت با جنس

مخالف از مرز دوستی تجاوز نمی‌کنند .

( ۱ ) پدرم نمی‌داند که جلوگیری از معاشرت پسر و دختر یعنی انکار و نفی غریزه‌ی جنسی .

( ۱ ) حیفت که دخترم و گرنه ثابت می‌کردم که ارتباط جنسی چیزی است در حد بلوغ و دفع غذا .

( ۱ ) پسرها با هر کس رفیق شوند مانعی ندارد ، لابد پدرشان افتخار می‌کنند که آقا پسر کازانواست ، اما خدا نکند که ما دخترها با چشم خریداری به مردی نگاه کنیم .

( ۴ ) باید به پدر و مادر فهماند که با چشم و گوش بسته نمی‌توان ازدواج کرد ، معاشرت با جنس مخالف پاسخگویی به يك نیاز طبیعی است که چه بسا به ازدواج منتهی می‌شود

و نگرانی ندارد .

( ۱ ) جامعه‌ی ما دچار آمیختگی فرهنگی‌هاست . ارزش‌های اخلاقی شرق و غرب در هم آمیخته ، روی پرده سینما و برابر چشمان حریص ما زن و مرد در آغوش هم می‌روند ،

اما ما حتی برای رفتن در کنار هم باید کوچه پس کوچه های خلوت را پیدا کنیم .  
( ۱ ) معاشرت با جنس مخالف را به عنوان يك امر فائزى جلوه داده اند در حالیکه زمان ما بر رابطه ی لذت بخش میان زن و مرد صبح گذاشته ، همراه زمان پیش باید رفت و هر کس مقاومت کند ، درهم می شکند .

پرسش سیزدهم - چگونه می توان مخالفت والدین را در برگزیدن دوست کاهش داد ؟

پاسخها :

( ۱۴ ) دخالت و یا نظارت آن ها که تجربه های بیشتر دارند و آدمها را بهتر می شناسند اگر دوستانه باشد و روشنگرانه ، مفید است و پذیرفتنی .

( ۲ ) اگر دوستان را خودمان انتخاب نکنیم ، نشانه ی آن است که حق حیات نداریم .

( ۱ ) گفته اند : بگو با کیستی ؟ تا بگویم کیستی . انتخاب دوست را سرسری نباید گرفت و راهنمایی پدر و مادر را در انتخاب دوست ، ارج باید گذاشت .

( ۱۱ ) مخالفت پدر و مادر ، اگر علتی دارد . خوب است علتش را بگویند و فقط با يك «نه» گفتن خشن سروته قضیه را به هم نیاورند .

پرسش چهاردهم - چگونه می توان پدر و مادر را از دخالت درهمسرگزینی فرزندان بازداشت ؟

پاسخها :

( ۷ ) با مقاومت و سرسختی برابر نصایح بی پایه ی پدرانه .

( ۱ ) چرا این دلخوشی را از پدر و مادر بگیریم ؟ آنها يك عمر آرزو دارند که برای خود عروس یا داماد مناسبی برگزینند .

( ۱ ) آدم عاقل زن نمی گیرد .

( ۱ ) من این دخالت را می پسندم ، زیرا مرا از حماقت باز میدارند .

( ۹ ) پدر و مادر باید دخالت خود را در حد راهنمایی و مشورت محدود کنند .

( ۴ ) باید سرانجام های شوم زناشویی را که با پیشگامی پدر یا مادر انجام پذیرفته به آنها گوشزد کرد . بر انتخاب درست هم کسی ایراد نمی گیرد .

( ۱ ) باید سن همسرگزینی را محدود کرد . مثلا درس بیست و پنج سالگی ، که در این سن هر کس می تواند مسئول کار و انتخاب خویش باشد .

( ۵ ) با توجه دادن پدر و مادر ، به این که عشق مطلبی است خصوصی و شکست در آن ، آدم را

به ورطه ی نومیدی میکشاند . باید به پدر و مادر فهماند که معیار آنها در

این مرحله از تشخیص کهنه است و اینک نوبت آن است که جوانان ارزشها را بسنجند

نه پیران .